



شیخ الاسلام عهد صفوی که بود/ ماجرای التماس شاه صفوی به علامه مجلسی

محمدباقر مجلسی با التماس و درخواست فراوان شاه سلیمان صفوی، لقب شیخ الاسلامی اصفهان را دریافت کرد و تا پایان عمر قاضی القضاات و مسئول وجوهات دینی و سرپرستی ایتم و درماندگان شد.

محمدباقر مجلسی با التماس و درخواست فراوان شاه سلیمان صفوی، لقب شیخ الاسلامی اصفهان را دریافت کرد و تا پایان عمر قاضی القضاات و مسئول وجوهات دینی و سرپرستی ایتم و درماندگان شد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، محمدباقر بن محمدتقی بن مقصود علی مجلسی معروف به علامه مجلسی در سال 1037 هجری مساوی عدد ابجد جمله «جامع کتاب بحارالانوار» در اصفهان متولد شد. در آستانه سالروز بزرگداشت علامه (30 مرداد) مروری بر اندیشه‌ها و فعالیت‌های وی خواهیم داشت:

وی لقب پرافتخار مجلسی را از افرادی نظیر آیت‌الله وحید بهبهانی، علامه بحرالعلوم و شیخ اعظم انصاری دریافت کرد و این بزرگان هم خود از علوم عصرشان آگاهی کامل داشتند و به دلیل مقام و منزلت به محمدباقر لقب علامه مجلسی دادند و به حق او علامه عصر خود بود.

محمدباقر در سال 1098 از سوی شاه سلیمان صفوی به سمت شیخ‌الاسلامی اصفهان منسوب شد و شیخ‌الاسلامی آن زمان بالاترین منصب دینی و اجرایی آن عصر بود. او قاضی در مشاجرات و دعاوی بود و تمام امور دینی زیر نظر مستقیم او انجام می‌شد و حتی سرپرستی درماندگان و ایتم و ... را نیز برعهده داشت.

نکته اینجاست که علامه چنین منصبی را با التماس شاه دریافت کرد و او از چنین منصبی برحذر بود و حتی می‌گویند که شاه به او التماس نیز کرده است تا علامه راضی به پذیرش این منصب شود و تا پایان عمر نیز چنین منصبی را برعهده دارد.

در نهایت علامه در مسیر علم و دین به راه اهل بیت (ع) رفت و در نخستین گام نیز «کتب اربعه» را به درس و بحث کشاند و طلبه‌ها را تشویق به مطالعه و تحقیق در روایات و مسائل مختلف کرد تا نسل آینده مباحث را بدون کم و کاست دریافت کنند و حتی در مواردی تشویق‌هایی نیز برای طلبه‌ها در نظر می‌گرفت.

وی همچنین علاوه بر تدریس به اقامه نماز نیز می‌پرداخت و در مسجد جامع اصفهان نماز می‌گزارد و در پای درسش نیز هزار طلبه حضور داشتند.

* قهرمان حوزه سیاست

علامه قهرمان حوزه سیاست بود که به دلیل برخی عناد و کینه‌توزی‌ها و تلاش‌های غرب‌زده‌ها وی در تاریخ سیاست مظلوم مانده است. یکی از بزرگترین فعالیت‌های وی در صحنه سیاست که به نفع تشیع و مکتب آن تمام شد مبارزه با صوفیان بود چرا که توانست در امور دولت و ادارات از نفوذشان بکاهد.

وی درباره صوفیان در رساله اعتقادات می‌نویسد: اینک من به طور اجمال برای شما می‌نویسم و بیان می‌کنم چیزهایی را که برای خودم از اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره متواتره ظاهر شده است تا گمراه نشوید و به خدعه‌ها و فریب‌ها و غرورهای صوفیه فریب داده نشوید و حجت خدا را بر شما تمام می‌کنم.»

علامه مجلسی علاوه بر مبارزه با صوفیان به مبارزه با بت پرستان، بیگانگان، نمایندگان غربی نیز پرداخت. یک روز به او خبر دادند که بت پرستان در اصفهان در خانه ای بتی ساخته‌اند و آن را نیایش می‌کنند علامه پس از تحقیق از محل بت خبر گرفت و براساس فتوایی دستور تخریب آن را صادر کرد.

* سیاست علامه در زمان تاج‌گذاری شاه

پس از مرگ سلیمان صفوی درباریان حسین میرزا را به سلطنت رساندند، وی در وقت تاج‌گذاری به صوفیان اجازه نداد شمشیر به کمر او ببندند بلکه علامه مجلسی را خواند و درخواست کرد که تشریفات را به جا بیاورد. شاه در ازای این خدمت از علامه

خواست تا هر تقاضایی دارد مطرح کند.

علامه که شاه جوان را بسیار ساده لوح و بی تجربه دید از او تقاضای فرمانی کرد تا نوشیدن مسکرات، جنگ بین فرقه‌ها و کبوتربازی را نهی کند شاه هم به خاطر او این درخواست را پذیرفت و فرمان را سریع ابلاغ کرد. این نکات عظمت روح بلند او را نشان داد که در اوضاع سیاسی چه اندازه با درایت است و می‌خواهد فساد، تفرقه و بی تفاوتی نسل جوان ریشه کن شود.

این دستورات پیروزی بزرگی برای علامه و نجات ایران از وضعیت حساس در منطقه‌ای شد که چشم طمع به ایران دوخته بودند و همینطور عیش و نوش درباریان را نیز محدود کرد هرچند پس از مدتی قدرت از علامه گرفتند و کشور رو به ضعف نهاد.

اما یک نکته مهم در سیاست‌های علامه مجلسی این بود که در زمان فعالیت‌اش هیچ برخورد بدی بین ایران و همسایگان اهل سنت ایجاد نشد و ایران در کمال آرامش بود.

*منابع:

ریحانه الادب، محمد علی مدرس تبریزی

زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح الدین مهدوی

اکارنامه علامه مجلسی

لذریعه، آقا بزرگ تهرانی